



قلعه یا عبادتگاه؟

قلعه بهستان درست در کنار شاخه‌ای از رودخانه قزل‌اوزن قرار دارد. وقتی قزل‌اوزن پر آب می‌شود، از راهروهایی که در دل کوه کنده شده‌اند، بالا می‌رود و بخشی از قلعه را می‌شوید و با خود می‌برد. بخش شسته شده در ادامه همراه با قزل‌اوزن به سفیدرود می‌ریزد و در پایان راه تحویل دریای خزر می‌شود. پدیده سنگی بهستان را آب به وجود آورده است و حالا آب آن را از بین می‌برد. شاید ۱۰۰ سال دیگر اثری از قلعه بهستان باقی نمانده باشد. سرنوشت قلعه به دست آب است.

در سرزمین درختان، به

روستایان منطقه بهستان را سرزمین درختان «به» می‌دانند، اما بعضی کارشناسان معتقدند نام بهستان از کلمه «بغستان» گرفته شده است. آن‌ها «بغ» را به معنای خدا می‌دانند و «ستان» را پسوند مکان، به معنی شهر. با این حساب، بهستان می‌شود: «شهر خدا». بعضی قرار گرفتن قلعه بهستان در همسایگی قزل‌اوزن را دلیلی بر عبادتگاه بودن آن می‌دانند. در گذشته برای برطرف کردن نیاز عبادت‌کنندگان به آب برای شست‌وشو، معمولاً عبادتگاه‌ها را نزدیک رودخانه‌ها می‌ساختند.



تخت‌دییو

گشتی در یکی از پدیده‌های طبیعی و تاریخی

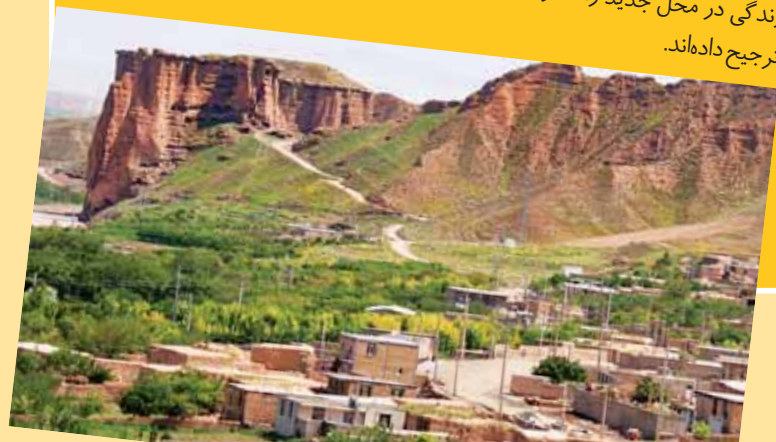
یکی از عجیب‌ترین موارد فهرست آثار ملی ایران اثر شماره ۱۴۵۸ است. این اثر قلعه‌ای است منحصر به فرد در دل یک پدیده دیدنی با داستان‌ها و افسانه‌های شنیدنی و باورنکردنی. اهالی روستای «بهستان» به پدیده‌ای که نزدیک خانه‌هایشان قرار دارد، «جن داغی» یا «دودکش جن» و «آدام داهی» یا «تخت دیو» می‌گویند. آن‌ها از پدران‌شان شنیده‌اند که این حجم‌های سنگی غول‌آسا دست‌ساخته‌های دیوها هستند. یا اینکه در دل قلعه بهستان ازدهایی لانه دارد که وقتی عصبانی و سرکش می‌شود، زمین به لرزه می‌افتد. این‌ها افسانه‌هایی ناممکن به نظر می‌رسند، اما وقتی کنار این پدیده‌های با عظمت که گاهی بیشتر از ۱۰۰ متر ارتفاع دارند و سال‌هاست که سنگینی یک حجم بزرگ سنگی را بر سر خود تحمل می‌کنند بایستی، شنیده‌ها قابل تخیل‌تر می‌شوند. چنین نمونه‌هایی در منطقه ماهنشان پرشمارند، اما آنچه نمونه بهستان را بالارزش‌تر از نمونه‌های دیگر کرده، قلعه‌ای است که بیش از هزار سال پیش به دست بهستانی‌ها در دل آن کنده شده‌است.

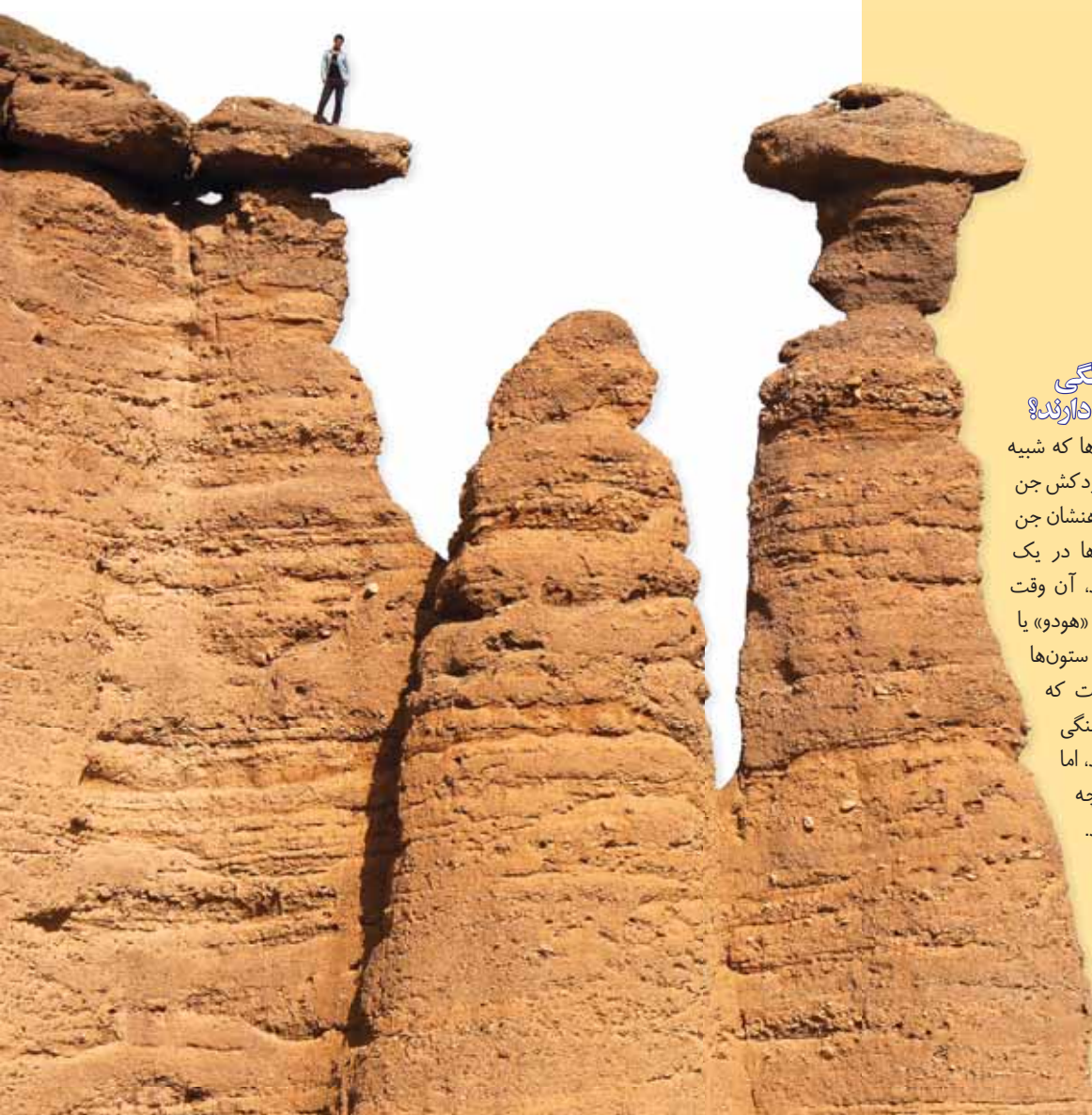
سنگین و روغتی

این چشم‌انداز یکی از اتاق‌هایی است که بهستانی‌ها در دل تخت دیو کنده‌اند. بهستانی‌ها تا سال ۱۳۵۷ آن پایین در روستای قدیمی بهستان زندگی می‌کردند و هر وقت که سر و کله‌ی یاغی‌ها و دزدان پیدا می‌شد، همراه خانواده به دل اتاق‌های قلعه پناه می‌بردند و در سوراخ‌ها و راهروهای آن پنهان می‌شدند. گاهی این قلعه‌نشینی اجباری چند ماهی طول می‌کشید. آن‌ها در دل تخت دیو راه‌پله‌هایی تعبیه کردند تا اتاق‌ها را در طبقات متفاوت بسازند.

صاحبان قلعه

قلعه بهستان یک کیلومتری تا روستای بهستان امروزی و ساکنانش فاصله دارد و با یک جاده خاکی پیچ و تاب‌دار به روستا وصل می‌شود. اهالی روستا بیشتر از ۴۰ سال است که از قلعه و میراث آبا و اجدادی‌شان در روستای قدیم بهستان دل کنده‌اند. آن‌ها زندگی در محل جدید را که رفت و آمد به آن راحت‌تر است، به زندگی زیر سایه قلعه ترجیح داده‌اند.





آدمک‌های سنگی چقدر عمر دارند؟

به هر کدام از این ستون‌ها که شبیه یک آدمک سنگی هستند، دودکش جن یا «پیلار»، یا به قول اهالی ماهنشان جن داغی می‌گویند. اگر ستون‌ها در یک ردیف به هم پیوسته باشند، آن وقت به آن‌ها می‌گویند تخت دیو، «هودو» یا آدم داشی. هر کدام از این ستون‌ها ۶۰ تا ۲۰۰ هزار سال است که سنگینی آن حجم بزرگ سنگی را روی سر احساس می‌کنند، اما کسی نمی‌داند که آن‌ها تا چه وقتی به این کار ادامه می‌دهند.

پدیده‌های سنگی چطور به وجود آمده‌اند؟

این پدیده‌های تماشایی نه کار دیوها هستند و نه اجنه در ساخت آن‌ها دست داشته‌اند. بیش از صدها هزار سال پیش تمام این فرم‌های سنگی در دل یک توده بزرگ سنگی قرار داشتند. اما تکه‌های سخت آهکی که حالا مثل کلاهک بالای ستون‌ها قرار دارند، به لایه‌های سست زیرین فشار آوردند و ترک‌هایی در دل توده ایجاد کردند. برف و باران و باد کم‌کم در این ترک‌ها نفوذ کردند و ترک‌ها بزرگ و بزرگ‌تر شدند و بخش‌هایی از توده سنگی را کردند تا اندک‌اندک و با صبر و حوصله آنچه امروز وجود دارد، ساخته شود.

